

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری اصفهان

فضیلت سوره نور

در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می خوانیم من قرء سوره نور اعطی من الاجر عشر حسنات بعدد کل مومنه و مومن فیها مزی و فیما بقی : کسی که سوره نور را بخواند (و محتوای آن را در زندگی خود پیاده کند) خداوند به عدد هر زن و مرد با ایمانی در گذشته و آینده ده حسنه به عنوان پاداش به او خواهد داد.

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: حصنوا اموالکم و فروجکم بتلاوه سوره نور و حصنوا بها نساءکم ، فان من ادمن قرائتها فی کل یوم او فی کل لیله لم یزن احد من اهل بیته ابدا حتی یموت : اموال خود را از تلف و دامان خود را از ننگ بی عفتی حفظ کنید به وسیله تلاوت سوره نور ، و زنانتان را در پرتو دستوراتش از انحرافات مصون دارید که هر کس قرائت این سوره را در هر شبانه روز ادامه دهد احدی از خانواده او هرگز تا پایان عمر گرفتار عمل منافی عفت نخواهد شد.

توجه به محتوای سوره که از طرق گوناگون و موثر به مبارزه با عوامل انحراف از جاده عفت برخاسته نکته اصلی حدیث فوق و همچنین مفهوم عملی آنرا روشن می سازد.

محتوای سوره نور

این سوره در حقیقت می توان سوره پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگیهای جنسی دانست چرا که قسمت عمده دستوراتش بر محور پاکسازی اجتماع از طرق مختلف از آلودگیهای جنسی دور می زند و این هدف در چند مرحله پیاده شده است :

مرحله اول بیان مجازات شدید زن و مرد زناکار است که در دومین آیه این سوره با قاطعیت تمام مطرح گردیده.

مرحله دوم به این امر می پردازد که اجرای این حد شدید مساله ای ساده نیست ، و از نظر موازین قضائی اسلام شرط سنگینی دارد ، نسبت به غیر مرد و همسرش چهار شاهد و در مورد مرد و همسرش برنامه لعان که شرح آن خواهد آمد باید اجرا گردد ، و حتی اگر کسی که دیگری را متهم می سازد نتواند ادعای خود را در محکمه قضاوت اسلامی به ثبوت برساند خود مجازات شدید (چهار پنجم حد زنا) خواهد داشت، تا کسی تصور نکند می تواند با متهم ساختن دیگران به سادگی آنها را به مجازات اسلامی بکشاند، بلکه به عکس خودش گرفتار مجازات خواهد شد.

سپس به همین مناسبت حدیث معروف افک و تهمتی را که به یکی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) زدند مطرح کرده ، و قرآن شدیداً این مساله را تعقیب می کند ، تا کاملاً روشن شود شایعه سازی درباره افراد پاک چه گناه سنگینی دارد.

در مرحله سوم برای اینکه تصور نشود اسلام تنها به برنامه مجازات گنهکار قناعت می کند به یکی از مهمترین راههای پیشگیری از آلودگیهای جنسی پرداخته ، مساله نهی از چشم چرانی مردان نسبت به زنان و زنان نسبت به مردان و موضوع حجاب زنان مسلمان را پیش کشیده مشروحا در این زمینه بحث می کند، چرا که یکی از عوامل مهم انحرافات جنسی این دو مساله چشم چرانی و بی حجابی است، و تا آنها ریشه کن نشوند آلودگیها برطرف نخواهد شد.

در مرحله چهارم باز به عنوان یک پیشگیری مهم از آلوده شدن به اعمال منافی عفت دستور ازدواج سهل و آسان را صادر می کند تا از طریق ارضای مشروع غریزه جنسی با ارضای نامشروع مبارزه کند.

در مرحله پنجم بخشی از آداب معاشرت و اصول تربیت فرزندان نسبت به پدران و مادران را در همین رابطه بیان می کند که در اوقات خاصی که احتمال دارد زن و شوهر با هم خلوت کرده باشند ، فرزندان بدون اجازه وارد اطاق آنها نشوند و موجباتی از این راه برای انحراف فکر آنها فراهم نگردد.

و به همین مناسبت بعضی دیگر از آداب زندگی خانوادگی را، هر چند ارتباط با مسائل جنسی ندارد ، ذکر می کند.

در مرحله ششم که در لابلای این بحثها طرح شده بخشی از مسائل مربوط به توحید و مبدء و معاد و تسلیم بودن در برابر فرمان پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) را ذکر می کند چرا که پشتوانه همه برنامه های عملی و اخلاقی همان مسائل اعتقادی و ایمان به مبدء و معاد و حقانیت نبوت است، و تا این ریشه نباشد آن شاخ و برگها و گل و میوه ها شکوفا نمی گردد.

ضمنا به مناسبت بحثهای مربوط به ایمان و عمل صالح سخن از حکومت جهانی مومنان صالح العمل به میان آمده و به بعضی دستورات دیگر اسلام نیز اشاره شده است که در مجموع یک واحد کامل و جامع را تشکیل می دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُوْرَةُ انْزَلْنَاَهَا وَ فَرَضْنَاَهَا وَ انْزَلْنَا فِيْهَا اٰیَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ «۱»

ترجمه:

بنام خداوند بخشنده مهربان

این سوره ای است که ما آنرا فرو فرستادیم و واجب نمودیم ، و در آن آیات بینات نازل کردیم ، شاید شما متذکر شوید. «۱»

می دانیم نام این سوره ، سوره نور است به خاطر آیه نور که یکی از چشمگیرترین آیات سوره است، ولی گذشته از این، محتوای سوره نیز از نورانیت خاصی برخوردار است، به انسانها ، به خانواده ها، به زن و مرد نور عفت و پاکدامنی می بخشد، به زبانها و سخنها نورانیت تقوی و راستی می دهد، به دلها و جانها نور توحید و خداپرستی و ایمان به معاد و تسلیم در برابر دعوت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می دهد.

نخستین آیه این سوره در حقیقت اشاره اجمالی به مجموع بحثهای سوره دارد و می گوید: این سوره ای است که ما ان را فرو فرستادیم و واجب نمودیم ، و در آن آیات بینات نازل کردیم شاید شما متذکر شوید (سوره انزلناها و فرضناها و انزلنا فیها آیات بینات لعلکم تذكرون).

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ «۱۹»

ترجمه:

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است، و خداوند می داند و شما نمی دانید. «۱۹»

اشاعه فحشاء چیست؟

از آنجا که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می شود، پاکی جامعه به پاکی او کمک می کند و آلودگی آن به آلودگی او.

روی همین اصل در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند شدیداً مبارزه شده است.

اگر می بینیم در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده یکی از فلسفه هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می سازد و حرمت جامعه را جریحه دار می کند.

اگر می بینیم دستور عیب پوشی داده شده یک دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند.

اگر می بینیم گناه آشکار اهمیتش بیش از گناه مستور و پنهان است تا آنجا که در روایتی از امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می خوانیم: المذبح بالسیئه مخذول و المستتر بالسیئه مغفور له: آنکس که گناه را نشر دهد مخذول و مطرود است و آنکس که گناه را پنهان می دارد مشمول آمرزش الهی است .

و اگر می بینیم در آیات فوق موضوع اشاعه فحشاء با لحنی بسیار شدید و فوق العاده کوبنده محکوم شده نیز دلیلش همین است.

اصولا گناه همانند آتش است، هنگامی که در نقطه ای از جامعه این آتش روشن شود باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش، یا حداقل محاصره گردد، اما اگر به آتش دامن زدیم و آن را از نقطه ای به نقطه دیگر ببریم، حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود. از این گذشته عظمت گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگیها خود سد بزرگی در برابر فساد است، اشاعه فحشاء و نشر گناه و تجاهر به فسق این سد را می شکند، گناه را کوچک می کند، و آلودگی به آن را ساده می نماید.

در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می خوانیم: من اذاع فاحشه کان کمبتدئها: کسی که کار زشتی را نشر دهد همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده.

ذکر این نکته نیز لازم است که اشاعه فحشاء اشکال مختلفی دارد: گاه به این میشود که دروغ و تهمت را در دامن بزند و برای این و آن بازگو کند.

گاه به این است که مراکزی که موجب فساد و نشر فحشاء است به وجود آورد. گاه به این است که وسائل معصیت در اختیار مردم بگذارند و یا آنها را به گناه تشویق کنند و بالاخره گاه به این حاصل میشود که پرده حیا را بدرند و مرتکب گناه در ملاء عام شوند و همه اینها مصداق اشاعه فحشاء است چرا که مفهوم این کلمه وسیع و گسترده می باشد. (دقت کنید)

بلای شایعه سازی

جعل و پخش شایعات دروغین و نگران کننده یکی از مهمترین شاخه های جنگ روانی توطئه گران است.

هنگامی که دشمن قادر نیست از طریق رویارویی صدمه ای وارد کند دست به پخش شایعات می زند، و از این طریق افکار عمومی را نگران و به خود مشغول ساخته و از مسائل ضروری و حساس منحرف می کند.

شایعه سازی یکی از سلاحهای مخرب برای جریحه دار ساختن حیثیت نیکان و پاکان و پراکنده ساختن مردم از اطراف آنها است.

در آیات مورد بحث -طبق شان نزولهای معروف- منافقین برای لکه دار ساختن حیثیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و متزلزل ساختن وجاهت عمومی او دست به جعل ناجوانمردانه ترین شایعات و پخش آن زدند و پاکی بعضی از همسران پیامبر بزرگ اسلام را -با استفاده از یک فرصت مناسب- زیر سوال کشیدند، و برای مدتی نسبتا طولانی چنان افکار مسلمانان را مشوش و ناراحت کردند که مومنان ثابت قدم و راستین همچون مار گزیده به خود می پیچیدند تا اینکه وحی الهی به یاری آنان آمد و چنان گوشمالی شدیدی به منافقان شایعه ساز داد که درس عبرتی برای همگان شد.

گر چه در جامعه هایی که خفقان سیاسی وجود دارد نشر شایعات یکنوع مبارزه محسوب می شود ، ولی انگیزه های دیگری همچون انتقامجویی ، تصفیه حسابهای خصوصی ، تخریب اعتماد عمومی، لکه دار ساختن شخصیت افراد بزرگ و منحرف ساختن افکار از مسائل اساسی نیز عوامل پخش شایعات محسوب می باشد .

این کافی نیست که ما بدانیم چه انگیزه ای سبب شایعه سازی است، مهم آن است که جامعه را از اینکه آلت دست شایعه سازان گردد و به نشر آن کمک کند و با دست خود وسیله نابودی خویش را فراهم سازد برحذر داریم ، و به مردم توجه دهیم که باید هر شایعه را همانجا که می شنویم دفن کنیم و گرنه دشمن را خوشحال و پیروز ساخته ایم ، بعلاوه مشمول عذاب الیم دنیا و آخرت که در آیات فوق به آن اشاره شد خواهیم بود.

کوچک شمردن گناه

در آیات فوق از مسائلی که مورد نکوهش قرار گرفته این بود که شما گناهی همچون نشر بهتان و تهمت را مرتکب می شوید و در عین حال آن را کوچک می شمردید .

به راستی کوچک شمردن گناه خود یکی از خطاها است، کسی که گناهی می کند و آن را بزرگ می شمرد و از کار خود ناراحت است در مقام توبه و جبران بر می آید، اما آنکس که آن را کوچک می شمرد و اهمیتی برای آن قائل نیست و حتی گاه می گوید: خوشا به حال من اگر گناه من همین باشد ! چنین کسی در مسیر خطرناکی قرار گرفته ، و همچنان به گناه خود ادامه می دهد.

به همین دلیل در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: اشد الذنوب ما استهان به صاحبه: شدید ترین گناهان گناهی است که صاحبش آن را سبک بشمرد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مَّنْ أَحَدٌ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. «۲۱»

ترجمه :

ای کسانی که ایمان آورده اید از گامهای شیطان پیروی نکنید هرکس قدم جای قدمهای شیطان بگذارید (گمراهش می سازد)، چرا که او امر به فحشاء و منکر می کند، و اگر فضل و رحمت الهی به سراغ شما نمی آمد احدی از شما هرگز پاک نمی شد ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می کند و خدا شنوا و دانا است. «۲۱»

این آیه روی سخن را به مومنان کرده، می گوید: ای کسانی که ایمان آورده اید از گامهای شیطان پیروی نکنید، و هر کس از گامهای شیطان پیروی کند به انحراف و گمراهی و فحشاء و منکر کشیده می شود چرا که شیطان دعوت به فحشاء و منکر می کند (یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان و من يتبع خطوات الشيطان فانه يامر بالفحشاء والمنكر)

اگر شیطان را به معنی وسیع کلمه، یعنی هر موجود مودی و تبه‌کار و ویرانگر تفسیر کنیم گستردگی این هشدار در تمام ابعاد زندگی روشن می‌شود.

هرگز یک انسان پاکدامن و با ایمان را نمی‌شود یک مرتبه در آغوش فساد پرتاب کرد، بلکه گام به گام این راه را می‌سپرد:

گام اول معاشرت و دوستی با آلودگان است.

گام دوم شرکت در مجلس آنها.

گام سوم فکر گناه.

گام چهارم ارتکاب مصادیق مشکوک و شبهات.

گام پنجم انجام گناهان صغیره.

و بالاخره در گامهای بعد گرفتار بدترین کبائر می‌شود. درست به کسی می‌ماند که زمان خویش به دست جنایتکاری سپرده او را گام به گام به سوی پرتگاه می‌برد، تا سقوط کند و نابود گردد، آری این است خطوات شیطان.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. «۲۷»

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل خانه آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید. «۲۷»

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ «۳۰» وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ءَابَائِهِنَّ أَوْ ءَبْنَاؤِهِنَّ أَوْ ابْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْآرِبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ طِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. «۳۱»

ترجمه:

ای رسول ما مردان مومن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بیوشانند و فروج و اندامشان را از کار زشت با زنان محفوظ دارند که این بر پاکیزگی جسم و جان آنان اصلح است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است. «۳۰»

و زنان مومن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بپوشد و فروج و اندامشان را از عمل زشت محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جزء آنچه قهراً ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بیوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جزء برای شوهران خود یا پدران یا...

فلسفه حجاب

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذرانده اند و افراد غرب زده ، بی بند وباری زنان را جزئی از آزادی او می دانند سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه ای است متعلق به زمانهای گذشته ! ولی مفسد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روز افزونی که از این آزادیهای بی قید و شرط به وجود آمده سبب شده که تدریجاً گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود.

البته در محیطهای اسلامی و مذهبی، مخصوصاً در محیط ایران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی، بسیاری از مسائل حل شده، و به بسیاری از این سوالات عملاً پاسخ کافی و قانع کننده داده شده است، ولی باز اهمیت موضوع ایجاب می کند که این مساله به طور گسترده تر مورد بحث قرار گیرد.

مساله این است که آیا زنان (با نهایت معذرت) باید برای بهره کشی از طریق سمع و بصر و لمس (جز آمیزش جنسی) در اختیار همه مردان باشند و یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد.

بحث در این است که آیا زنان در یک مسابقه بی پایان در نشان دادن اندام خود و تحریک شهوات و هوسهای الوده مردان درگیر باشند و یا باید این مسائل از محیط اجتماع برچیده شود، و به محیط خانواده و زندگی زناشویی اختصاص یابد؟! اسلام طرفدار برنامه دوم است و حجاب جزئی از این برنامه محسوب می شود ، در حالی که غربیها و غرب زده های هوسباز طرفدار برنامه اولند! اسلام می گوید کامیابیهای جنسی اعم از آمیزش و لذت گیریهای سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه ، و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می باشد که جمله ذلک ازکی لهم در آیات فوق اشاره به آن است.

فلسفه حجاب چیز مکتوم و پنهانی نیست زیرا:

۱- برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد مردان مخصوصاً جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجانهای بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد، مگر اعصاب انسان چقدر می‌تواند بار هیجان را بر خود حمل کند؟ مگر همه پزشکان روانی نمی‌گویند هیجان مستمر عامل بیماری است؟

مخصوصاً توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده، تا آنجا که گفته اند هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان است! آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه‌ای است؟ اسلام می‌خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوشه پاک داشته باشند، و این یکی از فلسفه‌های حجاب است.

۲- آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در جهان طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است، چرا که هر چه دیده بیند دل کند یاد و هر چه دل در اینجا یعنی هوسهای سرکش بخواهد به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود، و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید.

در محیطی که حجاب است (و شرائط دیگر اسلامی رعایت می‌شود) دو همسر تعلق به یکدیگر دارند، و احساساتشان و عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر است.

ولی در بازار آزاد برهنگی که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی (لااقل در مرحله غیر آمیزش جنسی) در آمده اند دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان بی سرپرست می‌مانند.

۳- گسترش دامنه فحشاء، و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناکترین پیامدهای بی‌حجابی است که فکر می‌کنیم نیازی به ارقام و آمار ندارد و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است، آن قدر عیان است که حاجتی به بیان ندارد.

نمی‌گوییم عامل اصلی فحشاء و فرزندان نامشروع منحصراً بی‌حجابی است، نمی‌گوییم استعمار ننگین و مسائل سیاسی مخرب در آن موثر نیست، بلکه می‌گوییم یکی از عوامل موثر آن مسئله برهنگی و بی‌حجابی محسوب می‌شود.

و با توجه به اینکه فحشاء و از آن بدتر فرزندان نامشروع سرچشمه انواع جنایتها در جوامع انسانی بوده و هستند، ابعاد خطرناک این مسئله روشن تر می‌شود.

هنگامی که می شنویم در انگلستان، در هر سال -طبق آمار- پانصد هزار نوزاد نامشروع به دنیا می آید ، و هنگامی که می شنویم جمعی از دانشمندان انگلیس در این رابطه به مقامات آن کشور اعلام خطر کرده اند - نه به خاطر مسائل اخلاقی و مذهبی - بلکه به خاطر خطراتی که فرزندان نامشروع برای امنیت جامعه به وجود آورده اند ، به گونه ای که در بسیاری از پرونده های جنایی پای آنها در میان است، به اهمیت این مساله کاملا پی می بریم ، و می دانیم که مساله گسترش فحشاء حتی برای آنها که هیچ اهمیتی برای مذهب و برنامه های اخلاقی قائل نیستند فاجعه آفرین است، بنابراین هر چیز که دامنه فساد جنسی را در جوامع انسانی گسترده تر سازد تهدیدی برای امنیت جامعه ها محسوب می شود ، و پیامدهای آن هر گونه حساب کنیم به زیان آن جامعه است .

مطالعات دانشمندان تربیتی نیز نشان داده ، مدارسی که در آن دختر و پسر با هم درس می خوانند ، و مراکزی که مرد و زن در آن کار می کنند و بی بند و باری در آمیزش آنها حکم فرما است ، کم کاری ، عقب افتادگی، و عدم مسئولیت به خوبی مشاهده شده است.

۴-مساله ابتذال زن و سقوط شخصیت او در این میان نیز حائز اهمیت فراوان است که نیازی به ارقام و آمار ندارد ، هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد ، طبیعی است روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون تر از او دارد ، و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسیتش وسیله تبلیغ کالاها و دکور اتاق های انتظار ، و عاملی برای جلب جهانگردان و سیاحان و مانند اینها قرار بدهند ، در چنین جامعه ای شخصیت زن تا سر حد یک عروسک ، یا یک کالای بی ارزش سقوط می کند ، و ارزشهای والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود ، و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خودنمایش می شود.

و به این ترتیب مبدل به وسیله ای خواهد شد برای اشباع هوسهای سرکش یک مشت آلوده فریبکار و انسان نماهای دیو صفت! در چنین جامعه ای چگونه یک زن می تواند با ویژگی های اخلاقی اش ، علم و آگاهی و دانایش جلوه کند، و حائز مقام والایی گردد؟! به راستی درد آور است که در کشورهای غربی، و غرب زده ، و در کشور ما قبل از انقلاب اسلامی، بیشترین اسم و شهرت و آوازه و پول و درآمد و موقعیت برای زنان آلوده و بی بند و باری بود که به نام هنرمند و هنر پیشه ، معروف شده بودند، و هر جا قدم می نهادند گردانندگان این محیط آلوده برای آنها سر و دست می شکستند و قدمشان را خیر مقدم می دانستند! شکر خدا را که آن بساط برچیده شد، و زن از صورت ابتذال سابق و موقعیت یک عروسک فرنگی و کالای بی ارزش درآمد و شخصیت خود را بازیافت ، حجاب بر خود پوشید اما بی آنکه منزوی شود و در تمام صحنه های مفید و سازنده اجتماعی حتی در صحنه جنگ با همان حجاب اسلامی ظاهر شد.

این بود قسمتی از فلسفه های زننده و روشن موضوع حجاب در اسلام که متناسب این بحث تفسیری بود.

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. «۳۲» وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْهِمَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَءَاتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. «۳۳» وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ. «۳۴».

ترجمه:

مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می سازد، خداوند واسع و آگاه است. «۳۲»

و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنانرا به فضلش بی نیاز سازد و بردگانی از شما که تقاضای مکاتبه (قرارداد مخصوص برای آزاد شدن) را دارند با آنها قرارداد ببندید، اگر رشد و صلاح در آنها احساس می کنید (و بعد از آزادی توانائی زندگی مستقل را دارند) و چیزی از مال خدا که به شما داده است به آنها بدهید، و کنیزان خود را برای تحصیل متاع دنیا مجبور به خودفروشی نکنید اگر آنها میخواهند پاک بمانند، و هرکس آنها را بر این کار اکراه کند (سپس پشیمان گردد) خداوند بعد از این اکراه غفور و رحیم است (توبه کنید و برای همیشه این عمل ننگین را ترک گوئید). «۳۳»

ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می کند و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران. «۳۴»

ترغیب به ازدواج آسان

از آغاز این سوره تا به اینجا طرق حساب شده مختلفی برای پیشگیری از آلودگیهای جنسی مطرح شده است، که هر یک از آنها تاثیر به سزایی در پیشگیری یا مبارزه با این آلودگیها دارد.

در آیات مورد بحث به یکی دیگر از مهمترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان ، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه ، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، و به تعبیر دیگر هیچگونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت موثر نخواهد افتاد.

لذا در نخستین آیه مورد بحث می فرماید: مردان و زنان بی همسر را همسر دهید ، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را (و انکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم و امائکم).

ایامی جمع ایم (بر وزن قییم) در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد ، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است، و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه.

تعبیر انکحوا (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومی است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازد، از طریق کمکهای مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مساله ازدواج، و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدر وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می شود.

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می کند که مسلمانان در همه زمینه ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

اهمیت این مساله تا به آن پایه است که در حدیثی از امیر مومنان علی (علیه السلام) می خوانیم: افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع الله بینهما : بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی، تا این امر به سامان برسد!

در حدیث دیگری از امام کاظم موسی بن جعفر (علیه السلام) می خوانیم: ثلاثه یستظلون بظل عرش الله یوم القیامه، یوم لا ظل الا ظله، رجل زوج اخاه المسلم او اخدمه، او کتم له سرا سه طایفه اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه ای جز سایه او نیست: کسی که وسایل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد، و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت کننده ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد! و بالاخره در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می خوانیم: هر گامی انسان در این راه بردارد و هر کلمه ای بگوید، ثواب یکسال عبادت در نامه عمل او می نویسد (کان له بكل خطوه خطاها، او بکلاً کلمه تکلم بها فی ذلک، عمل سنه قیام لیلها و صیام نهارها).

و از آنجا که یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج تشکیل خانواده مساله فقر و نداشتن امکانات مالی است قرآن به پاسخ آن پرداخته می فرماید: از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در ازدواجشان بکوشید چرا که اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد (ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله).

و خداوند قادر بر چنین کاری هست، چرا که خداوند واسع و علیم است (ان الله الواسع العلیم).

قدرتش آنچنان وسیع است که پهنه عالم هستی را فرا می گیرد، و علم او چنان گسترده است که از نیات همه کس مخصوصاً آنها که به نیت حفظ عفت و پاکدامنی اقدام به ازدواج می کنند آگاه است، و همه را مشمول فضل و کرم خود قرار خواهد داد.

در این زمینه تحلیل روشنی داریم ، و همچنین روایات متعددی که در آخر این بحث خواهد آمد. ولی از آنجا که گاه با تمام تلاش و کوشش که خود انسان و دیگران می کنند وسیله ازدواج فراهم نمی گردد و خواه و ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند ، مبادا کسانی در این مرحله قرار دارند گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنها مجاز است ، و ضرورت چنین ایجاب می کند ، لذا بلافاصله در آیه بعد دستور پارسایی را هر چند مشکل باشد به آنها داده می گوید : و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند، تا خداوند آنان را به فضلش بی نیاز سازد (و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله).

نکند در این مرحله بحرانی و در این دوران آزمایش الهی تن به آلودگی در دهند و خود را معذور بشمرند که هیچ عذری پذیرفته نیست، بلکه باید قدرت ایمان و شخصیت و تقوا را در چنین مرحله ای آزمود.

ازدواج یک سنت الهی است

گر چه امروز مساله ازدواج آنقدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب العبور یا غیر قابل عبور برای جوانان در آمده است ، ولی قطع نظر از این پیرایه ها، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد .

اسلام که هماهنگ با آفرینش گام بر می دارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و موثری دارد ، از جمله حدیث معروف پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است : تناکحوا ، و تناصلوا تکسروا فانی اباهی بکم الامم یوم القیامه و لو بالسقط : ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما حتی با فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امت ها مباحات می کنم ! و در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم : من تزوج فقط احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی : کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته ، و باید مراقب نیم دیگر باشد .

چرا که غریزه جنسی نیرومند ترین و سرکش ترین غرائز انسان است که به تنهایی با دیگر غرائز برابری می کند ، و انحراف آن نیمی از دین و ایمان انسان را به خطر خواهد انداخت.

باز در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می خوانیم: شرارکم عزابکم: بدترین شما مجردانند.

به همین دلیل در آیات مورد بحث و همچنین روایات متعددی مسلمانان تشویق به همکاری در امر ازدواج مجردان و هر گونه کمک ممکن به این امر شده اند مخصوصا اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده ، و پدرانی را که در این مساله حیاتی بی تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندان شان شمرده است چنان که در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می خوانیم: من ادرك له ولد و عنده ما یزوج فلم یزوج

، فاحث فالاثم بینهما! : کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند ، و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود ، این گناه بر هر دو نوشته می شود! و باز به همین دلیل دستور موکد داده شده است که هزینه های ازدواج را اعم از مهر و سایر قسمت ها سبک و آسان بگیرند ، تا مانعی بر سر راه ازدواج مجردان پیدا نشود ، از جمله در مورد مهریه سنگین که غالباً سنگ راه ازدواج افراد کم درآمد است.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می خوانیم: شوم المرء غلاء مهرها زن بد قدم زنی است که مهرش سنگین باشد .

و باز در حدیث دیگری در ذیل حدیث فوق وارد شده می خوانیم : من شومها شده مونتها: یکی از نشانه های شوم بودن زن آن است که هزینه زندگی (یا هزینه ازدواجش) سنگین باشد. و از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار این مسئولیت الهی و انسانی متعذر به عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی می شوند در آیات فوق صریحاً گفته شده است که فقر نمی تواند مانع راه ازدواج گردد ، بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی نیازی می شود .

دلیل آن هم با دقت روشن می شود، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی کند نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می کند ، و نه به هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و بارور ساختن آن می کوشد و به همین دلیل مجردان غالباً خانه به دوش و تهیدستند! اما بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تامین وسایل زندگی فرزندان آینده می بیند ، به همین دلیل تمام هوش و ابتکار و استعداد خود را به کار می گیرد و در حفظ درآمدهای خود و صرفه جویی ، تلاش می کند و در مدت کوتاهی می تواند بر فقر چیره شود . بی جهت نیست که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم الرزق مع النساء و العیال : روزی همراه همسر و فرزند است .

و در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می خوانیم : مردی خدمت حضرتش رسید و از تهیدستی و نیازمندی شکایت کرد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : تزوج ، فتزوج فوسع له ازدواج کن ، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شد!

بدون شک امداهای الهی و نیروهای مرموز معنوی نیز به کمک چنین افراد می آید که برای انجام وظیفه انسانی و حفظ پاکی خود اقدام به ازدواج می کنند .

هر فرد با ایمان می تواند به این وعده الهی دلگرم و مومن باشد ، در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده : من ترک التزووج مخافه العيله فقد ساء ظنه بالله ان الله عز و جل يقول ان یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله.

کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند گمان بد به خدا برده است ، زیرا خداوند متعال می فرماید: اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد. البته روایات در منابع اسلامی در این زمینه فراوان است که اگر بخواهیم به نقل همه آنها بپردازیم از بحث تفسیری خارج می شویم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيْسَتَّذُنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ «٥٨» وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ «٥٩»

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و همچنین کودکانی که به حد بلوغ نرسیده اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند : قبل از نماز فجر ، و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید ، و بعد از نماز عشاء ، این سه وقت خصوصی برای شما است ، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بعد گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید) اینگونه خداوند آیات را برای شما تبیین می کند و خداوند عالم و حکیم است . «٥٨»

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند ، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می گرفتند، اینچنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می کند و خدا عالم و حکیم است . «٥٩»

فلسفه استیذان و مفاصد عدم توجه به آن

برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی مانند اعمال منافی عفت تنها توسل به اجرای حدود و تازیانه زدن منحرفان کافی نیست ، در هیچ یک از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نخواهد داد ، بلکه باید مجموعه ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی ، و همچنین آموزشهای صحیح اسلامی ، و ایجاد یک محیط اجتماعی سالم ، سپس مجازات را به عنوان یک عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت.

به همین دلیل در این سوره نور که در واقع سوره عفت است از مجازات تازیانه مردان و زنان زناکار شروع می کند ، و به مسائل دیگر مانند فراهم آوردن وسائل ازدواج سالم، رعایت حجاب اسلامی، نهی از چشم چرانی ،

تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی ، و بالاخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوتگاه پدران و مادران ، گسترش می دهد.

این نشان می دهد که اسلام از هیچ یک از ریزه کاریهای مربوط به این مساله غفلت نکرده است. خدمتکاران موظفند به هنگام ورود در اطاقی که دو همسر قرار دارند اجازه بگیرند.

کودکان بالغ نیز موظفند در هر وقت بدون اجازه وارد نشوند ، حتی کودکان نابالغ که مرتباً نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شوند که لااقل در سه وقت (قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشاء و هنگام ظهر که پدران و مادران به استراحت می پردازند) بدون اجازه وارد نشوند.

این یک نوع ادب اسلامی است هر چند متأسفانه امروز کمتر رعایت می شود و با اینکه قرآن صریحاً آن را در آیات فوق بیان کرده است ، در نوشته ها و سخنرانیها و بیان احکام نیز کمتر دیده می شود که پیرامون این حکم اسلامی و فلسفه آن بحث شود، و معلوم نیست به چه دلیل این حکم قطعی قرآن مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته؟! گر چه ظاهر آیه وجوب رعایت این حکم است حتی اگر فرضاً آن را مستحب بدانیم باز باید از آن سخن گفته شود، و جزئیات آن مورد بحث قرار گیرد.

بر خلاف آنچه بعضی از ساده اندیشان فکر می کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی آورند و خدمتکاران نیز در این امور باریک نمی شوند ثابت شده است که کودکان (تا چه رسد به بزرگسالان) روی این مساله فوق العاده حساسیت دارند، و گاه می شود سهل انگاری پدران و مادران و بر خورد کودکان به منظره هائی که نمی بایست آن را ببینند سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماریهای روانی شده است.

دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری اصفهان